

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)  
۰۳ نومبر ۲۰۱۷

## نفیر شهادانه "آزادی و عدالت" از گلوی تسلیم طلبان ابن الوقت

تا فقر و غنا با هم در کشمکش و جنگ اند  
اولاد بیـــــنـــــسی آدم آســـــوده نـــــخـــــواهد شد  
"فرخی یزدی"

### پیشگفتار:

با توجه به اصل تخطی ناپذیر جهانبینی علمی مبنی بر این که همه پدیده های طبیعی و اجتماعی، روند تکامل ناموزون و مارپیچی را طی می کنند؛ سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" - که ۳۹ سال از پیریزی و ایجادش سپری گشته - نیز به مثابه یک پدیده اجتماعی راه تکامل ناموزون را پیموده است. مهم ترین ویژگی که هر "سامائی" بدان مباحثات می کند، این است که "ساما" از بدو تأسیس خود تا کنون، با اعتقاد به "اندیشه پیشرو عصر" بر مواضع فکری - سیاسی و خط مشی مطروحه بنیان گزاران خود باورمند و استوار بوده است. انحرافات که خطر مکدر نمودن آئینه خط روشن سیاسی، مسخ و مخدوش نمودن اندیشه انقلابی اش را در پی داشت، با کمال قاطعیت و بصیرت انقلابی به زدودن آن عندالموقع مبادرت شده است.

پس از اشغال کشور ما توسط نیرو های امریکائی و شرکای جرم و جنایتش (در ۷ اکتوبر ۲۰۰۱م)، اکثریت اعضای "ساما"، با توجه به سنت ها و تجربیات پیشین، منتظر اعلام مخالفت قاطع "رهبری" سازمان در برابر این رویداد فاجعه بار بودند. اما رهبری منحرف بر خلاف توقع و انتظار اکثریت اعضای سازمان، نظریه عمده پنداشتن تضاد با فئودالیسم و مُماس و همیاری با امپریالیسم را با وقاحت تمام ابراز داشت (که محتویات این مقاله عمدتاً روی همین موضوع متمرکز خواهد بود). علی رغم مساعی و تلاش اعضای متعهد و هیأت های "حسن نیت"،

غرض اقناع آن‌ها (که شاید سر عقل بیایند و بر مواضع انحرافی خود تجدیدنظر کنند)، آن‌ها - خلاف توقع - خیره سرانه بر تفکر "تجدیدنظر طلبانه" خود ابرام و تأکید ورزیدند. بدین ملحوظ "ساما" ناگزیر به طرد آن‌ها از ساحت پاکش گردید.

این تسلیم طلبان منحرف در ۱۸ جوزای سال روان (۱۳۹۶) پس از ۱۶ سال سکوت عامدانه و بزدلانه، اعلامیه‌ای را زیر عنوان "ساما، صدای آزادی و عدالت" گویا "به مناسبت گرامیداشت از هژدهم جوزا و ابراز برخی از دیدگاه‌ها" منتشر نموده اند. دیدگاه‌هایی که در مورد مسائل جنبش و موضوعات فکری - سیاسی در این "اعلامیه" ابراز شده است، بازتابی است از مفکوره نئولیبرالیسم، پُست مُدرنیسم و پراگماتیسم به عنوان پایه‌های ایدئولوژیک تسلیم طلبی؛ که نه تنها هیچ قرابتی با اندیشه‌های بنیان‌گذاران "ساما" و خط‌مشی سیاسی مطروحه آن‌ها ندارد، بلکه کاملاً متضاد و متبائن با آن است. نظریات ارائه شده در "اعلامیه"، پیشگوئی "سامائی" های متعهد و راستینی را که بر روگردانی و ارتداد کمیته مرکزی از اندیشه پیشرو عصر تأکید داشتند، محک صحت می‌زند و به اثبات می‌رساند. ابراز نظر های انحرافی در اعلامیه (که بناحق از آدرس "ساما" منتشر شده است) ما را مُلزم و وادار می‌سازد تا از "اندیشه پیشرو عصر" و خط فکری - سیاسی بنیان‌گذاران "ساما" دفاع کنیم و با طرف مقابل به مباحثه صریح و روشن و جدل نظری بپردازیم. بدیهی است که بحث و جدل های سیاسی چیزی نیست، جز یک مبارزه طبقاتی در قلمرو فکری.

غالباً بحث و جدل بدین منظور به راه انداخته می‌شود که نظر نادرست و انحرافی طرف مقابل انعکاس داده شود تا با ارائه نظر درست، دقیق و واقع‌بینانه در مقابل آن، به درک حقیقت مسائل دست یابیم و به تنویر اذهان مان بپردازیم. این امر می‌تواند به ستردن و پالایش فرهنگ سیاسی ما مُمد واقع شود. همچنان بحث روی مسائل، ما را از نکته‌نظرات روی مواضع سیاسی و فکری دیگران آگاه می‌سازد و به هوشیاری و وسعت دید ما می‌افزاید و سبب می‌شود که گوشه‌های تاریک قضایا روشن گردد. به بیان دیگر به ساحاتی فکر ما جولان می‌کند که تا کنون برایمان ناشناخته بوده است. با اتخاذ چنین شیوه برخورد، تحلیل و بررسی ما از سطح به عمق و از یک جانبه به چند جانبه نفوذ می‌کند و مُمد درک صحت و سُقم برداشت های متفاوت دو طرف می‌گردد.

البته گشودن باب بحث و مناظره با طرفی که با مساعی و تقلای اهریمنانه در صدر استتار نیات، افکار و نظریات انحرافی خود - به صورت مکتوب و در ملاء عام - است، امر دشوار و یک جانبه خواهد بود. لذا مایه خوشحالی است که اکنون با ابراز مکنونات ذهن شان در این "اعلامیه"، ما می‌توانیم به بحث روی افکار و ادعا های آن‌ها بپردازیم. ما از بیانات آن‌ها آنقدر راضی و خوشحال هستیم که حدی بر آن متصور نیست. اعترافات و قیحانه آن‌ها (مشعر بر عدول از خط فکری - سیاسی "ساما") بسیار عریان و در عین حال حیرت‌انگیز است. گرچه روا هم نیست، ولی جا دارد از بابت اعترافات صریح آن‌ها سپاسگذاری کنیم. زیرا که بدین وسیله اعضای فریفته سازمان از هاله ابهام نجات خواهند یافت و به موضع‌گیری درست، اصولی و قاطع

"سامائی" های اصیل و متعهد - که صف خود را از منحرفان و تسلیم طلبان جدا کردند - ملتفت خواهند شد.

در آغاز بروز اختلاف، اشخاصی که با اوضاع و احوال درون "ساما" آشنائی سطحی داشتند و از کنار قضاوت می کردند و همچنان اعضاء و هوادارانی که عمداً در پی خبری قرار داده شده بودند و اختلاف اساسی و مهم از نظر آن ها مکتوم مانده بود؛ چه بسا که اختلافات درونی سازمان را با بی اعتنائی می نگریستند و آن را ناشی از دو تمایلی می پنداشتند (عده ای همین اکنون نیز می پندارند) که در هر سازمان و حزبی طبیعی، ناگزیر و با همدیگر آشتی پذیر اند. اما ابراز نظر آن ها طرح یک مسأله شخصی نیست، بلکه بازتاب دهنده تفکر "تجدید نظر طلبانه" در قالب "بیش نو" و "چیز نو" است که یک گرایش سیاسی ارتجاعی و تسلیم طلبانه را نمایندگی می کند. "اعلامیه" نویسان به طور کامل تسلیم نظام سرمایه داری شده اند، از این رو بدون شرمساری از آن دفاع می کنند. در واقع اختلاف اساسی در سه نکته مهم مورد مناقشه - که نتیجه قطعی مبارزه درگروحل آن ها بود - ظهور کرد:

(۱) چگونگی صبغه و کرکتر سازمان، یعنی "ساما" مدافع منافع کدام طبقه و پیرو کدام اندیشه است؟؛

(۲) مسأله اشغال کشور ما که اغماض بر آن جز انقیاد و تسلیم پیامد دیگری نمی تواند داشته باشد؛

(۳) انحراف اپورتونیستی در مسائل تشکیلاتی (تخطئه آئین و موازین سازمان).  
از آنجا که مطالب مندرج در "اعلامیه" (در واقع اعترافنامه و قیحانه) پراکنده، بدون انسجام و فاقد یک روال منطقی است و به تبع آن مسائل بسیار مبهم، دوپهلوی و ضد و نقیض ارائه شده است؛ یگانه راه برخورد، گرفتن جملات و یا بخش ها و فقره های مختلف آن و برخورد جداگانه به هر کدام خواهد بود. گرچه "اعلامیه" از آغاز تا انجام غلط، انحرافی، "تجدید نظر طلبانه" و به مثابه سیلی محکمی است که به روی خود حواله نموده اند؛ ولی ما باز هم به منظور ایضاح هر چه بیشتر مسائل برای "سامائی" های بی خبر از قضایا، هواداران "ساما"، جنبش "چپ" انقلابی کشور و به خاطر انجام رسالت تاریخی خود، به آن برخورد می کنیم.

ده سال پیش (قوس ۱۳۸۶ ش / ۲۰۰۶ م) "سامائی" هائی باورمند به اندیشه پیشرو عصر و متعهد به خط مشی سیاسی "ساما"، غرض افشای انحراف فکری "تجدید نظر طلبانه" و تسلیم طلبی (ملی و طبقاتی) کمیته مرکزی مرتد - که می خواست "ساما" را از حالت یک سازمان انقلابی خارج نماید و به دنباله و زائده لیبرال ها مبدل سازد - به خاطر رفع مسؤولیت تاریخی و نجات سازمان از بحران و انحلال، رساله (درون تشکیلاتی) را به عنوان "به سوی غلبه" "ساما" بر تسلیم طلبی و اپورتونیسم" منتشر نمودند تا اعضای سازمان از نکات اساسی و مهم مورد اختلاف آگاهی حاصل نمایند. اما، چون در کفش منحرفان ریگ بود، از تکثیر و توزیع آن در بین اعضای سازمان بشدت جلوگیری نمودند. ضمناً به خاطر حفظ وحدت و جلوگیری از انحلال "ساما"، از انتشار همگانی این رساله احتراز صورت گرفت. ولی اکنون برای ما قابل درک است که این

احتراز و خویشتن داری، بیش از حد لزوم بود. لازم به تذکر است که "سامائی" های اصیل و متعهد در سال ۲۰۰۳، موضع گیری روشن و قاطع خود را در قبال اشغال کشور توسط نیرو های اشغالگر امریکائی و ناتو - طی اعلامیه ای با عنوان " امریکائی ها در افغانستان باد کشتند، توفان درو خواهند کرد" - اعلام نمودند (این اعلامیه همین اکنون نیز در آرشیف پورتال وزین "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" در جنب سائر اسناد ساما موجود است).

پس از تدویر جرگه سرهم بندی شده (دلو ۱۳۸۹) منحرفان، و بعد از طرد آن ها در کنفرانس ثور ۱۳۹۰، "ساما - ادامه دهندگان" به منظور روشننگری در مورد توضیح نکات اساسی و مهم مورد اختلاف، شروع مبارزه در "ساما"، سرچشمه و جنبه اساسی سیاسی آن و همچنان مسأله مربوط به نتایج این مبارزه و عاقبت آن، و آن نتیجه اصولی که از جمع بندی تمام نکات مربوط به مبحث اصولی و تفکیک نکات مربوط به مبحث جنجال ها گرفته می شد، به خاطر اتمام حجت و ادای مسؤلیت، نقطه نظرات خود را طی مقاله ای به نام "انحراف" به تاریخ (۲۵ ثور ۱۳۹۲) به معرض قضاوت "سامائی" ها گذاشت.

"اعلامیه" نویسان با معیار های ارزشی خود، دیگران (به ویژه ادامه دهندگان خط ایدئولوژیک - سیاسی بنیان گذاران "ساما") را به عدم درک پیچیدگی های عملکرد امروزی سرمایه جهانی، تکرار شعار های قدیمی، "دور ماندن از واقعیات و ساده انگاری" و "پیرون نیامدن از چوکات و فورم های گذشته" متهم می کنند. همچنان افکار و نظریات ما را مهر "چپ سنتی"، "آرمان گرایانه و کلیشه نی" می زنند. ما ادعاهای آن ها را در بوته آزمایش واقعیات عینی و اصول عام جهان بینی علمی قرار می دهیم و به محک آئینه قدنمای برنامه "ساما" می زنیم "تا سیه روی شود هر که در او غش باشد".

نویسنده "اعلامیه" طبعاً برای تعیین و تشخیص درستی و یا نادرستی یک تئوری و هکذا نو و کهنه بودن یک اندیشه معیار های خاص خود را دارد. بررسی این معیار ها می تواند موضع گیری وی را در قبال دفاع از منافع طبقه معین و مشخص برملا کند. مثلاً: اگر اشغال افغانستان و عراق و جنایات انجام شده در پیامدش را مورد تأیید و پشتیبانی قرار دهیم، از جمله "روشنفکران تحول طلب" هستیم، اما اگر این تجاوز اشغالگرانه را تقبیح کنیم، گرفتار "هزیان گونی و مالیخولیا" می شویم. اگر دولت کنونی و تبلیغات دموکراتیک بودنش را باور کنیم و مورد تأیید قرار دهیم، روشنفکران واقعی هستیم. و اگر آن را غلام و دست نشانده امریکا و ماحصل تجاوز و توطئه کنفرانس اول بن بدانیم، در آن صورت از "چوکات و فورم های گذشته" پیرون نیامده ایم و روی "شعار ها، شمائل، ابزار و لباس قرن بیستمی" لوجانه اصرار می ورزیم. اگر بر بنیان گذاران "ایدئولوژی پیشرو عصر" بتازیم و از راه آن ها رو برتابیم؛ بر انقلاب هائی که در قرن بیستم انجام شد، یک قلم خط بطلان بکشیم و لباس "قرن بیستمی" را از تن بدر کنیم، انسان های "نو اندیش" و به مذاق نویسنده صاحب برابر هستیم. و اگر بخواهیم این انقلاب ها را مطالعه کنیم و نقاط ضعف و قوت و درس های مثبت و منفی آن ها را برای

تجربه آینده فراگیریم و بر آن ها اتکاء کنیم، در آن صورت "آرمان گرا" و دارای افکار کماکان و "کلیشه نی" هستیم.

اگر نظرات ماکس وبر، فن هایک، میلتن فریدمن، فرانسیس فوکویاما، سامول فلیپ هانتینگتون، مایکل هارت و انتونیو نگری و ادعای "نظم نوین جهانی" جورج بوش و... را بدون ملاحظه قبول کنیم و به زعم آن ها بر "پیچیدگی" نظام سرمایه و "تکنولوژی سرسام آورش" تأکید ورزیم، در آن صورت روشنفکران مترقی هستیم. و اگر تضاد آشتی ناپذیر کار و سرمایه، تضاد های لاعلاج امپریالیست ها و انحصارات بین المللی و تضاد بین مستعمرات و امپریالیسم را افشاء کنیم؛ باز روشنفکران عقب افتاده از کاروان پیشرونده بشریت هستیم و خلاقیت و نوآوری را نادیده گرفته و "بر انجماد و تاجر تمکین" ورزیده ایم.

با عطف توجه به تاریخ جنبش انقلابی و پیشرو بین المللی، درمی یابیم که بیشترین صدمه را تسلط افکار "تجدید نظر طلبانه" - به بهانه های طرح "چیز های نو"، "بینش نو" و "مرحله جدید" - به این جنبش زده است. برنشتین، کائوتسکی، تیتو، تولیاتی، خروشچف، لئوشاویچی، دینگ سیاو پن و... همه مدعی و طراح "بینش نو" بودند. اکنون این چوچه خروشچف (نویسنده اعلامیه) لنگ لنگان می خواهد "افتخارات" آن ها را به ارث ببرد و سلف پروپا قرص شان باشد. "تجدید نظر طلبی" عبارت است از انکار اصول عام جهان بینی علمی (درک مادی تاریخ، مبارزه طبقات، انقلاب قهرآمیز و سیادت کارگری). تجدید نظر طلبان می خواهند که یک سازمان و یا حزب انقلاب اجتماعی به یک حزب اصلاحات اجتماعی مبدل شود. آن ها برای اقناع (در واقع فریب) کارگران و زحمتکشان، دلائل و نظریات "نوین" برای توجیه افکار خود ارائه می نمایند. همچنان آن ها در صدد انحلال یک سازمان و یا یک حزب انقلاب اجتماعی می باشند و "انحلال طلبی" عبارت است از تلاش برای انحلال (پراکندن، انهدام، برانداختن و موقوف ساختن) سازمان موجود و تبدیل آن به هر قیمتی که شده، به یک تجمع بی شکل و محدود ساختن آن در چهار دیوار علنی (یعنی در چهار دیوار قانونیت و موجودیت "آشکار") ولو این که این علنی بودن به قیمت استتکاف آشکار از برنامه و تاکتیک و سنت های پیشین تمام شود".

اعلامیه نویس مانند حکیمان قرون وسطی، مدعی کشف "اکسیر اعظم" است. اما از ذکر نام های مواد ترکیبی این اکسیر خسیسانه ابا و دریغ ورزیده و آن چه گفته و برشمرده، از آن به جز زهر "هلاهل"، چیز دیگری ساخته نمی شود(لذا، ما در این مقاله بر حسب رعایت اختصار، وی را به نام "حکیم جی" یاد می کنیم).

ادامه دارد